

## گزارش

### با همه نوسخی...

این بناها نه در امتداد زبان زیست روزمره مردم بلکه در خدمت منطق سرمایه ساخته می شوند. بسیاری از برج‌های مسکونی هنگ‌کنگ اساسا واحدهایی خالی‌اند که صرفا به‌عنوان دارایی مالی خریدوفروش می شوند. گفته می‌شود از این برج‌ها در قامت تجارت‌های نوظهور در تهران هم بافت می‌شود؛ بی‌آنکه کسی در آنها زندگی کند. در دویی نیز برج‌هایی مانند برج خلیفه بیش از آنکه زمینه حیات شهری باشند، وترین نمایش قدرت تکنولوژیک و مالی‌اند. در اینجا معماری به‌وضوح به «انرا مالی» تقلیل یافته است: چیزی برای انباشت سرمایه و نمایش، نه برای تجربه زیست جمعی. پیامد چنین وضعیتی از دست رفتن هویت مکان و گسست میان معماری و فرهنگ است. برای تغییر این مسیر، نیازمند بازتعریف بنیادین هستیم؛ معماری باید به‌منابه فرهنگ دیده شود. معماری حافظه جمعی است؛ دیوارها و میدان‌ها روایت زندگی مردم را حمل می‌کنند. اگر این نگاه بازسازی شود، اقتصاد هم جایگاه خود را بازخواهد یافت: نه مالک معماری، بلکه بخشی از دستکاه فرهنگی. در چنین نگاهی، اقتصاد خلاق و اقتصاد فرهنگ و هنر دیگر دام مصرف‌گرایی نیست، بلکه فرصتی برای بازگرداندن معماری به مصدر فرهنگ است. اما چگونه؟ در اینجا مثال‌هایی را که از این منظر مورد بازخوانی قرار داده‌ام، می‌آورم تا بدانیم این درد درمان هم دارد و از قضا درمان معمارانه؛ نمونه‌های جهانی نیز به‌خوبی نشان می‌دهند که چگونه می‌توان معماری را نه به‌عنوان ابزار سیاست‌های اقتصادی، بلکه به‌عنوان زبانی فرهنگی فهمید.

نمونه نخست، مرکز پومپیدو در پاریس است (افتتاح ۱۹۷۷، طراحی رنزو پیانو و ریچارد راجرز). پومپیدو در ظاهر یک موزه مدرن است، اما حقیقت آن فراتر می‌رود. این مرکز در بطن شهر جای گرفت و خود را به میدان عمومی بدل کرد؛ مکانی که هنر و زندگی روزمره در هم تنیده شدند. ارزش اصلی پومپیدو در این است که فرهنگ را به زبان کالبدی شهر بازگرداند. این بنا نه صرفا کالایی برای جذب توریست، بلکه عرصه‌ای برای تجربه جمعی بود. اگر اقتصاد نیز از آن رونق گرفت، نتیجه فرعی بود، نه مقصد. همین ویژگی است که پومپیدو را نمونه‌ای فرهنگی می‌کند. نه پروژه‌ای صرفا اقتصادی، نمونه دوم، کتابخانه‌های مدئین در کلمبیا است (از ۲۰۰۵ به بعد، با پروژه شاخص کتابخانه اسپانیا در ۲۰۰۷). شهری که با خشونت کارتل‌های مواد مخدر شناخته می‌شد، تصمیم گرفت با معماری فرهنگی تصویر خود را بازنویسی‌کند. کتابخانه‌ها در محله‌های محروم ساخته شدند تا به مردم فرصت تجربه فرهنگ و آموزش بدهند. این پروژه‌ها بیش از آنکه در پی کالایی‌سازی فرهنگ باشند، به بازسازی اعتماد اجتماعی و احیای هویت جمعی پرداختند. ارزش اقتصادی و اجتماعی مدئین از دل همین رویکرد فرهنگی زاده شد.

نمونه سوم، کتابخانه ملی قطر در دوحه است (افتتاح ۲۰۱۷، طراحی OMA/رم کولهاوس) این بنا نماد جدیدی از حافظه جمعی جهان عرب شد. طراحی‌اش با یک فضای باز و پیوسته، همه گروه‌ها را در یک سطح گرد می‌آورد؛ پژوهشگران، دانشجویان، کودکان و مردم عادی. کتابخانه‌های قطر بیش از آنکه پروژه‌ای نمایشی باشد، خانه‌ای برای روایت مشترک یک ملت شد. اقتصاد فرهنگی نیز از پی آن آمد، اما باز هم نه به‌عنوان مقصد اصلی، بلکه نتیجه قراردادن فرهنگ در مصدر. اما مثال چهارم، های‌لاین در نیویورک است (افتتاح مرحله اول ۲۰۰۹ و تکمیل ۲۰۱۴، طراحی Diller Scofidio + Renfro با همکاری James Corner Field Operations و Peter Oudolf). این پروژه یک خط راه‌آهن متروکه را به فضای عمومی بدل کرد. در نگاه نخست، های‌لاین یک بازآفرینی فرهنگی درخشان است؛ مردم به خیابان بازگشتند، طبیعت به شهر آمد، و روایت‌های تازه‌ای از زندگی شهری خلق شد. اما هم‌زمان، پیامدهای اقتصادی دیگری نیز رخ داد: افزایش ارزش املاک اطراف، تغییر بافت اجتماعی و روند بازارگرایی (gentrification). های‌لاین درعین‌حال که یک تجربه فرهنگی و اجتماعی ارزشمند است، نشان می‌دهد چگونه معماری می‌تواند ناخواسته در منطق تولیدی‌رالی گرفتار شود.

نمونه دیگر، کار حسن فتحی در مصر است. پروژه دهکده فُرنه جدید (آغاز ۱۹۴۵، نیمه‌تمام) نشان داد که چگونه می‌توان از مصالح بومی و فنون سنتی برای پاسخ به نیازهای معاصر استفاده کرد. فتحی معماری را کالایی لوکس نمی‌دید؛ برای او، معماری باید از خرد زیست مردم برمی‌خاست. هرچند پروژه با مقاومت و مشکلات سیاسی روبه‌رو شد، اما همچنان نمونه‌ای ارزشمند از معماری فرهنگی است. بازآفرینی بین‌القصرین در قاهره (دهه ۱۹۹۰-۱۴۰۳) نیز اهمیت دارد. این محور تاریخی، یادگار فاطمینا، با مرمت و بازآفرینی دوباره به قلب شهر بازگشت. هرچند نقدهایی به نگاه توریسم‌محور آن وارد شده، اما اگر از منظر فرهنگ خوانده شود، این پروژه نمونه‌ای روشن است از تلاش برای احیای روایت محلات تاریخی و پیوند دوباره زندگی و معماری. این نمونه‌ها همه بر یک نکته تاکید دارند: وقتی فرهنگ مصدر باشد، معماری زبان هویت جمعی می‌شود و اقتصاد در جای درست خود قرار می‌گیرد. اما پرسش مهم‌تان باقی است: ای کجا باید آغاز کرد؟

نخستین گام، بازنویسی قوانین و آیین‌نامه‌هاست. فرهنگ نباید به‌عنوان «پیوست» ضمیمه قوانین شود، بلکه باید خود متن قوانین باشد. همان‌گونه که در گذشته آداب جزئی از متن زندگی بود؛ قوانین معماری و شهرسازی نیز باید مستقیما براساس فرهنگ نوشته شوند. پروژه‌ای که نسبت خود را با فرهنگ روشن نکند، ناقص است. حتی اگر از نظر اقتصادی موفق باشد.

گام دوم، استفاده از فرصت‌های بازآفرینی شهری است. بازآفرینی نباید تنها

بهبانه‌ای برای گردشگری یا جذب سرمایه باشد. بازآفرینی باید به احیای حافظه جمعی و بازسازی اعتماد اجتماعی بینجامد. اینجا می‌توان ادبیات تازه‌ای خلق کرد: ادبیاتی که معماری را نه ابزار درآمد، بلکه زبان فرهنگ می‌بیند.

گام سوم، توجه به مقیاس‌های کوچک است. معماری فرهنگی فقط در

کتابخانه یا موزه خلاصه نمی‌شود. بازارها، خانه‌ها، روایت‌خانه‌های محلی و شهری نیز معماری فرهنگی‌اند. طراحی معاصر اگر ملهم از فرهنگ باشد،

حتی در کوچک‌ترین مقیاس‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد. روایت‌خانه‌ها دراین‌میان نقش بی‌بدیلی دارند: فضاهایی برای بازنمایی و زنده نگه‌داشتن فرهنگ در زندگی روزمره. گام چهارم - که امروزه می‌تواند بخش مؤثر و کارآمد اقتصاد فرهنگ باشد و در پی ایجاد مداوم روایی معماری بر زمینه فرهنگ ایران‌زمین- خلق معماری معاصر ملهم از فرهنگ است. این معماری می‌تواند در بازار محلی، در خانه‌ای ساده یا در گدزی قدیمی پدیدار شود. لازم نیست عظیم و پرهزینه باشد، فقط کافی است به خرد زیست مردم پیوند بخورد.

گام پنجم، بهره‌گیری از بعد بین‌المللی است. همان‌طور که کتابخانه قطر یا

کتابخانه‌های مدئین توانستند به الگوهای جهانی بدل شوند، ما نیز می‌توانیم روایت

فرهنگی خود را به جهان عرضه کنیم. این می‌تواند دیپلماسی فرهنگی تازه‌ای

بیافریند: معماری نه به‌عنوان کالای صادراتی، بلکه به‌عنوان زبانی برای بیان خرد سسرزمینی و فرهنگی. در نهایت، اگر بخواهیم معماری را از وضعیت کالایی بیرون بیاوریم و دوباره به مصدر فرهنگ بازگردانیم، باید هم‌زمان در دو مسیر حرکت کنیم: از پایین، با بازآفرینی و تجربه‌های فرهنگی-اجتماعی؛ و از بالا، با سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری. اما نیروی اصلی از پایین می‌آید: از خرد زیست، از تجربه‌های روزمره مردم. از زبان مکان‌ها. قانون بدون این تجربه‌ها خشک و بی‌روح خواهد بود. برای بازآفرینی می‌تواند امکان این قرائت تازه را بیافریند. ادبیات نو سراسر و راه را برای قوانینی معنادار هموار کند. این جستار می‌تواند نقطه عزیمت کوششی باشد تا نشان دهد که معماری را تنها با بازگرداندن به مصدر فرهنگ می‌توان نجات داد. اقتصاد خلاق و صنایع فرهنگی اگر در خدمت این نگاه قرار گیرند، نه‌فقط مصرف‌گرایی را بازتولید نمی‌کنند، بلکه می‌توانند به موتورهای زایش فرهنگی بدل شوند. راه‌حل نه در تکرار پروژه‌های مصرفی و نه در تسلیم به سرمایه‌داری کالامحور، بلکه در بازخوانی مقصد، اقتصاد، فرهنگ و معماری است؛ نسبتی که در روایت و معرفت تاریخی و تجربه زیسته ما جاری بود و امروز باید با اندیشه‌ای نو احیا شود. درست مثل آنجایی که نظامی می‌سراید:

با همه نادری و نوسخی/ برتایبیم روی از آن کُهنی



### «شرق» احتمال حذف یکی از رشته‌های مرتبط با زنان را بررسی کرد

# زمزمه‌های انحلال گروه مطالعات زنان دانشگاه الزهرا

پژوهشگران می‌گویند رشته مطالعات زنان تنها روی کاغذ این نام را داشت و در عمل، همان زن را خانواده بود

### نیلوفر حامدی

می‌کردند، به ایران بیاوریم و در مرکز مطالعات راه‌اندازی کنیم. اگرچه در ابتدا دانشگاه تهران به شدت معانعت می‌کرد اما در نهایت توانستیم به هدفمان برسیم».

مدیر گروه اسبق رشته مطالعات زنان دانشگاه تهران معتقد است با ورود رشته مطالعات زنان بدون گرایش‌های دیگر و کاملا مستقل، حوزه میدانی و فعالیت‌های عملی هم به این رشته اضافه شد: «بالاخره مجوز برگزاری دو دوره از رشته مطالعات زنان در مرکز پژوهش را گرفتیم، اما این‌طور هم نبود که دانشجویان ما تنها درس بخوانند. آموزش و پژوهش را تلفیق کره بودیم. دانشجویان پس از گذراندن دوره‌های تئوری کارآموزی‌های ارزشمندی نیز در مراکز مختلف می‌دیدند. مثلا در حوزه حقوقی به قوه قضائیه فرستاده می‌شدند و در حوزه سلامت و وزارت بهداشت، همین هم شد که محصول دانشجویان همان دوره به چهره‌های مهمی در حوزه زنان کشور بدل شدند. همچون نوشین خراسانی که تالیفات متعددی هم در این زمینه دارد».

ولی این مسیر به مرور در سراسیایی سقوط قرار گرفت: «از همان روز نخست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هم قصد داشت این رشته را داشته باشد. بعد از گذشت یک دوره و با سرکارآمدن دولت محمود احمدی‌نژاد و رفتن خود من از مرکز پژوهش و همچنین ورود چهره‌های دانشگاهی جدید، بلایی که نباید سر مطالعات زنان آمد. این رشته از مرکز پژوهش به جامعه‌شناسی رفت و با استنادی که در آنجا حضور داشتند، تمام ماهیت کار عوض شد. دانشجویان را تفشیش می‌کردند که اصلا چرا چنین رشته‌ای را انتخاب کرده‌اند. بر سر موضوعات پایان‌نامه‌هایشان به شدت کارشکنی می‌شد و به طور مثال موضوعی مثل ایدز به طور کامل جزء موضوعات ممنوعه قرار گرفت».

از نگاه این استاد دانشگاه، ۴۷ سال پس از برقراری نظام اسلامی در ایران، همچنان تجلی زن در نهایت در نهاد خانواده معنا می‌یابد و همین طرز نگاه هم باعث ایجاد کارشکنی‌های مختلف می‌شود: «مشکل اینجااست که نیروهای بالادستی سیاست‌گذاری در کشور بعد از گذشت چندین دهه همچنان برجسته‌ترین تجلی زن را در نهاد خانواده می‌بینند. به همین دلیل هم در کنار هر نامی از زن، یک پسوند خانواده و مادر هم الصاق می‌کنند. در حالی که خانواده یک نهاد اجتماعی است از پی روندن زن و مرد ایجاد شده و وظایف در آن هم مساوی و برابر است. پدر به همان اندازه در قبال فرزندان و خانواده مسئولیت دارد که مادر. به‌خصوص حالا که دیگر مادران هم پایه‌پای مردان کار می‌کنند و در اقتصاد خانواده نقش‌آفرینی دارند».

#### نرخ اشتغال زنان، نماد نگاه نیروهای بالادستی به زن است

این استاد بازنشته دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، نشان چنین نگاه‌هایی را به طور بسیار عیان در نرخ اشتغال زنان می‌بیند: «اگر هم کسی بگوید که این‌طور نیست، من به سادگی می‌بینم: تنها با مرور نرخ اشتغال زنان در این کشور به او نشان خواهم داد که دقیقا همین‌طور است. نرخ اشتغال زنان پیش از انقلاب حدود ۱۳ درصد بود (سال گذشته و است ۴۷ سال گذشته و زنان در فضاهای دانشگاهی مدت‌هاست که گوی سبقت را از مردان روده‌اند. فارغ‌التحصیلان زنی که در رشته‌های مختلف درخشیده‌اند و از بهترین دانشگاه‌ها خارج شده‌اند. اما نرخ اشتغال ما کماتر از حدود ۱۴ درصد است. چرا؟ چون هنوز در سطح کلان باور نداریم که زن هم می‌تواند مولد اقتصادی باشد و در عرصه اقتصاد کشور نقش‌آفرینی جدی کند. هروقت هم جایی حرف از اشتغال زنان زدیم سریعاً به اشتغال خانگی محدودش کردیم.» به گفته شادی‌طلب تا زمانی که سیاست‌گذاران نگاهشان را به زن به منابه فردی دارای حقوق مستقل از یک مادر و همسر تغییر ندهند، این اعمال سلیقه‌ها ادامه دارد: «من موجودیتی دارم، دارم جامعیت. فارغ از زایش، فارغ از مادری و فارغ از حرف هسری در جامعه حاضر می‌شود و بازیگری مهمی هم در مناسبات مختلف ایفا می‌کند. نکته مهم اینکه این فضا بستر رفتارهای سلیقه‌ای نیست. همان زمان که دانشکده خانواده با همکاری چهره‌هایی چون انسبیه خزعلی و هم‌فکرانش ایجاد شد، ما متوجه بودیم که چه نگاهی به رشته‌های مطالعات زنان را دیدگاه آنها وجود دارد. اما چرا باید حضور آنها با منحل‌شدن مرکز مطالعات یکی شود؟ چرا سایت مرکز به طور کلی حذف شد؟ مرکزی که پروژه بانک جهانی بود. مرکزی که بستر تبادل دانشجو و استاد ایرانی و خارجی را مهیا می‌کرد. مرکزی که به معنای واقعی کلمه انسان‌سازی می‌کرد برای آینده این سرزمین چرا باید زیر نظرات شخصی یک‌سری افراد نابود می‌شد؟ ساخت عمومی مدت‌های زیادی است که به نقش زن به عنوان یک چهره تأثیرگذار در جامعه خو گرفته و فکر می‌کنم بهتر است هرچه زودتر مدیران هم به آن عادت کنند».

دو رشته‌ای که اکنون در گروه تقریبا ۳۰ساله مطالعات خانواده و زنان دانشجو می‌پذیرد. نکته قابل توجه اینکه در این دانشکده تازه‌تأسیس گروه مطالعات زنان چندان به رسمیت شناخته نمی‌شود و تمایلاتی هم مبنی بر حذف رشته مطالعات زنان وجود دارد. حتی برخی شنیده‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم اینکه اعضای گروه مطالعات زنان با منتقل‌شدن به دانشکده خانواده مخالفت کرده‌اند، تلاش‌هایی برای تخلیه اتاق‌های گروه و اساتید آن هم رخ داده است. «زهرا میرحسینی» از استادان این رشته در دانشگاه الزهرا در پاسخ به چرایی این رخداد گفت‌وگو با «شرق» را نپذیرفت و ترجیح داد که مدیر گروه پاسخ‌گوی این پرسش باشد. هم‌انگیز شجاع‌کاظمی هم که مدیریت این گروه را بر عهده دارد، با وجود تماس‌های مکرر «شرق» پاسخی به تلفن شخصی و تلفن دفتر کارش نداد. اما یکی از استادان سابق رشته

مطالعات زنان که تمایل نداشت نامش منتشر شود، به «شرق» می‌گوید: «همه رشته‌های پیش‌بینی‌شده در این طرح، خاصیت میان‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای داشته و بسیاری از آنها سرفصل مصوبی در وزارت علوم ندارند. بر فرض اگر هم بخواهند با همین دستپاچگی، سرفصل‌هایی برای این میان‌رشته‌ها مصوب کنند و بر اساس آن، دانشجو بگیرند، آن دانشجویان گرفتار مصائب بسیاری خواهند بود چون میان‌رشته‌ای خام و جدید معمولا چارچوب نظری درست‌حسابی ندارند و نه‌تنها به کیچی دانشجویان و متخصص‌نشدن فارغ‌التحصیلان منجر می‌شوند، بلکه دارندگان آن مدرک دانشگاهی، زمینه‌های شغلی و استخدامی مشخصی هم پیدا نمی‌کنند و سرگردان می‌مانند چون واقعیت اجتماعی، مدرک تحصیلی آنها را به رسمیت نمی‌شناسد».

### تلاش همیشگی برای جابه‌جایی رشته مطالعات زنان

این نخستین‌بار نیست که رشته مطالعات زنان در بستری از حوادث و حواشی متعدد قرار می‌گیرد. در عمر نزدیک به دو دهه‌ای این رشته، همواره نیروهای زبادی علیه آن تاخته بودند. «شیرین احمدینا» جامعه‌شناس و از فعالان حوزه زنان که در نخستین دوره راه‌اندازی این رشته در دانشگاه علامه حضور داشت، به «شرق» می‌گوید: «اتفاق مبارکی بود که این رشته به طور هم‌زمان در دانشگاه الزهرا و علامه راه‌اندازی شد. چهره‌های آکادمیک درخشانی همچون شهلا اعزازی، پروین اردلان، شهلا شرکت ... در دوره‌های اول و دوم این رشته حضور داشتند اما کم‌کم فضا تغییر کرد. در دانشگاه علامه هم بارها خواستند این رشته را میان دانشکده‌های مختلف جابه‌جا کنند و در نهایت هم به دانشکده جامعه‌شناسی رفت».

**از تلفیق آموزش و پژوهش تا ممنوعیت پایان‌نامه با موضوع ایدز**
«زاله شادی‌طلب» جامعه‌شناس، اسناد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگری که مدرک جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه آبیوی آمریکا گرفته است، در تشریح سیر ایجاد رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌های ایران به «شرق» می‌گوید: ایجاد رشته مطالعات زنان نتیجه سال‌ها تلاش بزرگواران زنده‌یابی چون خانم دکتر زهرا شجاعی، خانم دکتر گرجی و آقای دکتر آینه‌وند بوده است. در دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی و وقتی که دکتر معین و توقیفی در وزارت علوم حضور داشتند و نگاه‌ها برای پذیرش گفتمان‌های نوین‌تر گشوده بود و آمادگی بیشتری برای تکتگر عقاید وجود داشت، در آن دوران تلاش بر این بود که به دنیا نشان داده شود که موضوع زنان تحت یک حاکمیت دینی هم جریان دارد، حضور زنان در عرصه‌های علمی و اقتصادی و اجتماعی به جهان نشان داده شود و ضمن اینکه تلاش کنند تا با راه‌حل‌هایی این حضور پررنگ‌تر شود. از همان ابتدا که این رشته ایجاد شد، چند گرایش مشخص هم برای آن وجود داشت از جمله «زن در خانواده»، «زن در اسلام» و «زن در تاریخ» که البته این سومی چندان فرصت پیدا نکرد تا با بگیرد. اما دو گرایش دیگر در دانشگاه‌های الزهرا و علامه کارشان را آغاز کردند».

#### عنوان «مطالعات زنان»: تنها روی کاغذ

اما تا این مرحله رشته مطالعات زنان تنها روی کاغذ این نام را داشت و در عمل، همان زن در خانواده بود: «این رشته تنها روی کاغذ مطالعات زنان نام داشت و در عمل، زن در خانواده بود که در فضای آکادمیک ما جریان داشت. در آن زمان من در مرکز مطالعات و پژوهش دانشگاه تهران حضور داشتم و پیشنهاد دادم که این رشته وارد مرکز شود. خانم شجاعی هم حمایت کردند و توانستیم این رشته را بدون گرایش‌های مرتبط با خانواده و دقیقا منطق با واحدهای درسی‌ای که در دانشگاه‌های برجسته دنیا همچون «برکلی» و «یورک» تدریس

### خبرهای روز

### کاهش سن ابتلا به بیماری‌های غیرواکیر

ایرنا: بر اساس اعلام معاون بهداشت وزارت بهداشت، سن ابتلا به بیماری‌های غیرواکیر در کشور کاهش یافته است، علیرضا رئیس‌ی افزود: «به دلیل تغییر سبک زندگی، استفاده نایچا از تلغن همراه و رایانه (کامپیوتر)، شاهد بروز مشکلات عضلانی-اسکلنی و کبد چرب در میان جوانان و نوجوانان از جمله دانش‌آموزان هستیم». بر اساس اعلام او، بیماری‌های غیرواکیر مانند چاقی، دیابت، کبد چرب و مشکلات عضلانی-اسکلتی که در گذشته در سنین بالا شایع بود، به سنین پایین نیز منتقل شده، به نحوی که موارد زیادی از ابتلای دانش‌آموزان به این بیماری‌ها را شاهدیم. او با بیان اینکه وزارت بهداشت برای پیشگیری از این آسیب‌ها، برنامه‌های آموزشی و عملی متنوعی در نظر گرفته است، افزود: «راهکار اصلی، آموزش خانواده‌ها، معلمان و مراقبان سلامت است تا همراه دانش‌آموزان در مسیر پیشگیری نقش‌آفرینی کنند. امسال برنامه‌های ویژه‌ای برای مدارس و گروه سنی زیر ۱۸ سال در نظر گرفته‌ایم و مهم‌ترین برنامه وزارت بهداشت در مدارس، موضوع غربالگری سلامت دهان-دندان است که به‌ویژه برای پایه‌های اول تا ششم ابتدایی بر مبنای پیشگیری، غربالگری و آموزش و درمان طراحی شده است. رئیس یکی دیگر از اولویت‌ها را توجه به چاقی، کم‌تحرکی و تغذیه سالم در مدارس عنوان کرد و افزود: «امسال برنامه شیر مدارس ابتدایی دوباره از سرگرفته خواهد شد. این اقدام می‌تواند کمک بزرگی به بهبود وضعیت تغذیه دانش‌آموزان کند». معاون بهداشت درباره پیشگیری از شیوع بیماری‌های ویروسی و تنفسی در بین دانش‌آموزان نیز گفت: «مهم‌ترین راه پیشگیری از بیماری‌هایی چون آنفلوانزا و کرونا، رعایت بهداشت فردی، گروهی و اجتماعی است». به گفته او، بزودی برنامه خودمراقبتی از بیماری‌ها برای کل کشور رونمایی خواهد شد. اگر خانواده‌ها و افراد خودمراقبتی را جدی بگیرند، می‌توان از شیوع بیماری‌های تنفسی جلوگیری کرد.

### جای خالی ۳۴ دانش‌آموز شهید در مدارس

مهر: رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، گفت: «روز گذشته در اول مهر، جای ۳۴ دانش‌آموز شهید حمله رژیم صهیونیستی در کشور خالی بود». سعید اودحی، ادامه داد: «روز گذشته جای ۳۴ دانش‌آموز شهید در کشور و به‌ویژه ۲۲ دانش‌آموز شهید تهرانی خالی است، افرادی که حق تحصیل و حیات داشتند اما در جنایت اخیر رژیم پلید صهیونیستی و جنگ ۱۲روزه به شهادت رسیدند. یاد این شهدا و سایر معلمان شهید باید همواره چراغ راه دانش‌آموزان باشد».

### زنگ ساییری در مدارس

ایسنا: معاون فرهنگی-اجتماعی پلیس فتا از آغاز اجرای طرح «زنگ ساییری» در مدارس سراسر کشور خبر داد و گفت: «این اقدام بخشی از برنامه گسترده‌ای است که با هدف افزایش آگاهی دانش‌آموزان و توانمندسازی خانواده‌ها در برابر تهدیدات فضای مجازی اجرایی می‌شود». جواد مختارزایی، در توضیح بیشتر افزود: «ما به‌جای مقابله صرف با تهدیدات، رویکرد پیشگیرانه و آموزشی را در دستور کار قرار داده‌ایم. زنگ ساییری فرصتی است برای گفت‌وگو با دانش‌آموزان، معلمان و والدین درباره امنیت اطلاعات، رفتار امن در شبکه‌های اجتماعی و شناسایی محتوای مخرب». او گفت: «هدف ما آن است که دانش‌آموزان مهارت‌های ساده و کاربردی برای حفظ حریم خصوصی و تشخیص تهدیدات پایه‌ای را بیاموزند و خانواده‌ها بدانند در مواجهه با مشکلات سایبری چه کاری انجام دهند. در همین راستا، پلیس فتا آمادگی دارد تا در صورت مشاهده موارد مشکوک با ارائه مشاوره و در صورت لزوم تشکیل پرونده بنا بر دستور قضائی، از سلامت روانی و امنیت قانونی دانش‌آموزان دفاع کند. خانواده‌ها می‌توانند هرگونه موارد مشکوک را از طریق سامانه ارتباطی پلیس فتا با شماره تلفن ۰۹۶۳۸۰ و سایت fta.gov.ir یا مراجعه به دفاتر استانی گزارش دهند. تیم‌های ما در کوتاه‌ترین زمان ممکن بررسی و کمک‌های لازم را ارائه خواهند کرد».